اختر

مطبعه و اداره خانهٔ ﴿ اختر ﴾
در خان والده در دائرهٔ مخصوصه است
درکارهای متعلق باداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود ٠
اسامیٔ وکلای کرام در ممالك دور و نزدیك
کاهی درصفحهٔ آخرین نکاشته خواهد شد ٠
ووزچهارشنبه ۲۱ ربیع‌الآخر سنه ۱۲۹۸
۱۱ مارت رومی و ۲۳ ماه مارس ۱۸۸۱

﴿ تعرفهٔ بدلات سالیانه ﴾
دارالسعادهٔ اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
دیکر ممالك محروسهٔ عثمانیه ۷۵ قروش صاغ
ممالك محروسهٔ ایران ۲۵ قران
ممالك هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره
ممالك روس وقفقاز ۱۵ روبل کاغذی
ممالك اروپ و عربستان ۲۵ فرانك
یك نسخه ۶۰ پاره‌است
اجرت پوست همه جابعهدهٔ اداره‌است ٠

﴿ این نامه ازهرکونه‌وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیك و علم و ادب و دیکر منافع عامه سخن می‌کوید ٠ هفتهٔ یکبارطبع می‌شود ٠ اوراق ﴾
﴿ و نوشتجات سود مند را بامتنان می پذیرد ٠ درنوشتن کاغذهایی که‌ازخارج میرسد اداره‌آزاداست ٠ کاغذی‌را که نوشته نمی شود ﴾
﴿ صاحبش نباید استرداد بکند ٠ کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهدشد ٠ ﴾

﴿ تاسف ـ وعدم انسانیت ﴾

از روزیکه جناب فخامت‌نصاب فخری بیك افندی سفیرکبیر دولت‌علیهٔ عثمانی وارد طهران شده اند محض از راه معارف پروری ومدنیت دوستی التفات وتوجه مخصوص درحق اختر ظاهرفرموده دراکثر ممالك محروسهٔ ایران وکالت اخترا بعهدهٔ کار پردازان وتجارمعتبر تبعهٔ دولت علیهٔ‌عثمانی محول‌داشته از راه قدردانی که اختر را خادم دولتین علیتین وواسطهٔ حسن مراوده وآمیزش واتحاد ملل اسلام میدانستند بیشرفت عمل ادارهٔ اختر را پیوسته منظور میداشتند که بهمین جهت از جناب سفیرکبیر مشارالیه بنام اسلامیت وانسانیت متشکر باید بود ٠

ولی‌جای تاسف‌است که عالیجناب حاجی‌سید خلف تاجرنجفی که‌حسب امرواشارت جناب‌سفیر کبیر درطهران سمت وکالت اخررا بعهدهٔ خود کرفته وسه سال این وکالت را داشتند منتهای بی مبالاتی درحق اخترنموده بجای اعانت اهانت وخیانت دربارهٔ اختر بعمل آورده است بحدی که از نوشتن آن‌شرم داریم ٠

درسال هزار ودویست ونود وشش بهمه جهت ازوجه بدلات اختر سیرده تومان باداره فرستاده واز بابت سال ۱۲۹۷ تاکنون دیناری نداده است حالا که سه‌ماه ازسال ۱۲۹۸ کذشته است نیز چیزی بواسطهٔ‌اوعاید اداره نشده‌است وسبب اینهمه عدم مواظبت حاجیٔ مومی الیه‌را نمیدانستیم از چه‌امر بوده است ٠ تا اینکه دراین سال فرخنده فال که‌جناب‌جلالتمآب‌آقایی‌مخبرالدوله درهمه ولایات محروسهٔ‌ایران زحمت وکالت‌اخررا بعهدهٔ کاشتکان تلکرافخانهای مبارکه محول فرموده محض از راه انسانیت ومعارف پروری هرنوع‌توجه والتفات درحق‌اختر مبذول‌میفرمایند اطلاع حاصل شده‌است که وکیل مومی‌الیه‌دوسال است نسخهای اختر را ابدا خدمت حضرات مشترکین نرسانده‌است ونسخهای مذکوررا بقدر سه هزار نسخه که درمنزل خود جمع وانبارکرده بوده است تسلیم کاشتکان جناب معظم الیه نموده وعلاوه براین زیاده بر یکهزار نسخه نیز درثانی معلوم شده‌است که نکاهداشته بوده‌است٠ تعجب داریم ازاینکه مارا باحاجی‌سیدخلف سابقهٔ دشمنی ومعارفهٔ درمیان نبوده وسببی نداشت که‌دراین‌کار چشم از انصاف وانسانیت پوشیده موجب اینهمه خسارت کلی ادارهٔ اختر بشود ٠ اصل جای حیرت این‌است‌که‌کاهی که‌کاغذ باداره‌نوشته‌است فرستادن چند نسخهٔ دیکر را بجهت مشترکین تازه خواهش نموده‌است که حسب‌الاشارهٔ اوفرستاده شده‌است مع‌ذلك آنهارا نیز نداده‌است ٠ کذشته ازهمهٔ اینها نسخهایی‌را که درهر پوست مخصوص برای‌تقدیم‌بخاکپای اعلا حضرت اقدس‌شاهنشاه ایران فرستاده شده‌است آنهارا هم تقدیم نکرده نکاهداشته‌است (آفرین بانصاف‌ومروت‌وامانت وانسانیت ایشان).

باری ازجناب جلالتمآب فخری بیك افندی سفیرکبیر مستدعی‌هستیم که مومی الیه رابجهةاین حرکت خارج از انسانیت مورد مؤاخذه‌داشته ومقرر فرمایندکه خسارات دوسالهٔ اداره از او اخذ واسترداد شود ٠ امیدواریم که جناب جلالتمآب آقایی مخبرالدوله هم چنانکه سمبا زرك منشی وملت پرستی ایشان است دراسترداد این حق صریح اختر بذل‌مرحمت فرمایند حتی‌بعضی از مشترکین کرامیٔ اختر مانند جناب جلالتمآب اجل‌آقای صاحب دیوان و جناب جلالتمآب آقای امین لشکر و غیره ازعدم وصول نسخهای اخترشکایت‌فرموده‌بودند بنابراین مدتی بود نسخهای اختر جهة آنجنابان ارسال تبریزمیشدکه‌ازتبریز عالیجناب‌سلالةالاطیاب عمدةالتجارحاجی سید ابراهیم آقا تاجرکاشانی وکیل اختر خدمت ایشان مرسول دارد اکنون‌معلوم میشودکه ٠ مال آنجنابان‌راهم‌که‌داخل پاکات محوله بوکیل مومی‌الیه یعنی حاجی‌سید خلف‌نبود و بلا واسطهٔ او یکسر بنام نامیٔ ایشان ازتبریز روانه میشد بی‌انصاف آنهاراهم‌از پوست کرفته نکاه میداشته است وازانصاف دوراست ادارهٔ پوست‌را دراینباب مسئول داشت چه‌ادارهٔ پوست اورا وکیل وامین ادارهٔ اختر میشناسد ٠ آیاسبب این‌همه بی‌انصافی چه‌بوده واز مسئولیت این‌حرکات ناشایست در پیشکاه‌انسانیت‌وحق شناسی بکدام جواب خلاصی تواندجست ٠

یکی‌ازهوا خواهان اختر نوشته بود که‌سبب این‌عمل‌را ازحاجی‌سیدخلف‌جویاشده اصرارنمودم جواب دادکه شخص‌بزرکی بمن‌امر نمودکه‌نسخهای اخررا بصاحبانش توزیع ننموده نکاهدارم‌ولی‌ما بوجهی نمیتوانیم این جوابرا مصدق پنداریم زیرا باورنداریم که‌درهمهٔ‌دنیایك‌نفرآدم پیداشود که‌دربارهٔ ابنای‌جنس‌خود بی‌هیچ سابقه‌ور بطی مصدراینکونه ضرر و خسارت شده خودرا در پیشکاه انسانیت شرمنده دارد ٠ وانکهی شخص بزرك اختر را با ونمیفرستاد

درصورتیکه اصل داشته باشد باز بایستی کسی‌را که متکفل امور اختر است از این مطلب در ظرف این دوسال آگاهی بدهد وعلاوه برسایر مخارج کازت اقلا تنها ازخسارت اجرت نسخهای مرسولی دو ساله که بیش ازسیصد تومان است ادارهٔ اختر را بازدارد . (زهی بزرگی ومروت این آمر . وخهی امانت وانسانیت این مامور)

بدیهی است که سایر ملتهای روی زمین عمل روزنامهارا چه‌قدر معتنا میشمارند و بچه پایه کسان بزرك خدمتهابعالم مطبوعات کرده وخدمت آنرا مایهٔ افتخار خودشان میدانند . حتی امتیازاتی که درهمهٔ ممالك ازطرف پوستخانها درباب ارسال ومرسولیٔ روزنامها داده شده‌است واضحترین دلیل براثبات مدعا است که نوشتن آن تفصیلات طول دارد . لهذا میتوان گفت آدم بزرك سهل است ادنی ترین مردم نیز راضی نخواهد شد روزنامهٔرا که صاحبش بچه زحمتها محض بملاحظهٔ خدمت بعالم اسلامیت وانسانیت بموقع انتشار آورده پارهٔ خیالات فاسد وواهی باعث عدم وصول آن بدست مشترکین وسبب متضرر شدن ادارهٔ آن شوند .

خلاصه استدعا داریم که اولا جناب فخری بیك افندی خودشان حقوق مارا ازحاجی سید خلف بقاعدهٔ حقانیت وانصاف استیفا وعاید دارند . وثانیا از کاشتکان حضرت مخبرالدوله که مامور باین کارند خواهش داریم برای تعیین مقدار خسارت وتلافی این عمل ناشایست بدانچه لازم است اقدام فرموده‌شده بواسطهٔ کومیسیونی حقوق مارا معین وخسارات وارده درعرض این چندسال از باعث عمل استیفا کرده‌شود .

تلگرافها

﴿ ازپترسبورك ۱۴ ربیع‌الاخر ﴾ ازروز یکشنبهٔ گذشته باینطرف خیلی کسان ازجانب مامورین ضابطه توقیف شده‌است .

بکمان ساختن چپاره‌هایی که سبب قتل ایمپراتور روس گردید هجده نفر نهلیست ازساکنان محلهٔ (پسکی) گرفتار ومحبوس گردیدند . شخصیکه روزجمعهٔ گذشته گرفتار شده بود اقرار نمود که درفقرهٔ سوء قصد بایمپراتور مدخلیت داشته است . ولی شخص مذکور با (سروسوکوف) نام که چپاره نخستین‌را بروی ایمپرتور حواله نموده بود درثانی ازبسیاری زخم که بآن وارد شده وفات کرده‌است . شخصیکه چپارهٔ دوم بایمپراتور انداخته سبب فوتش شده‌بود ازاظهار نمودن نام خود استنکاف نموده ولی اورا شناخته اند که مرتکب قتل ایمپراتور او بوده‌است . ازشهادت چند نفر که درآنوقت اورا دیده اند برای شناخته شدن آن شخص سررشته بدست آمده است درهنگام جستجوی خانهٔ (سروسوکوف) پارهٔ آلات و یکقطعه یادداشت اختلال آمیز بدست افتاده‌است .

﴿ از پترسبورك ۱۵ ربیع‌الاخر ﴾ کروه نهلیست بحسارت فوق‌العاده که تاکنون امثال آن دیده نشده‌است درکوچه و بازار بدیوارها کاغذ و یادداشتها چسبانیده ضمنا اعلان میکنند که قتل علکساندر دوم ایمپراتور روس‌را بموجب قرارداد (کومیت اجرا) ازقوه بفعل آورده‌اند . ازجانب حکومت چند کس دیگر گرفتار گردید . همهٔ متهمین ومحبوسین ازشاگردان مکتب معادن است . ایمپراتور تازه (کراندوك ولادمیر) را بکوماندانیٔ عساکر خاصهٔ روس معین نموده‌است . نعش ایمپراتور متوفی (تحنیط) شده اکنون برای دیدن اهالی درعمارت زمستانی گذاشته شده‌است . پس از پانزده روز دفن کرده خواهدشد .

﴿ ازلندن ۱۴ ربیع‌الاخر ﴾ امروز مسودهٔ تعزیتنامهٔ که بمناسبت وفات ایمپراتور روس برای تقدیم شدن بعلیا حضرت ملکهٔ انکلستان و (دوشش دودمبورك) نوشته‌شده‌بود ازجانب مجالس اعیان ومبعوثان باتفاق آراء پذیرفته گردید .

﴿ از پاریس ایضاً ﴾ ازقراریکه بعض اخبارنامها مینویسند . حکومت فرانسه درصدد جستجوی وسائطی بوده‌است که حکومت تونس‌را ناچار ازرعایت منافع فرانسه درقلمرو حکمرانیٔ خود نماید . زیرا ازجانب تبعهٔ فرانسه که در تونس اقامت دارند عرضحالی بحکومت فرانسه فرستاده‌شده مستدعی شده‌اند که حکومت مشارالیها بنگاهداریٔ منافع تبعهٔ خود درتونس اقدام نماید .

﴿ ازاتن ۱۶ ربیع‌الاخر ﴾ بمناسبت وفات ایمپراتور روس که عم زن اعلا حضرت پادشاه یونان است قرارداده‌شده‌است که خانوادهٔ سلطنت یونان تاشش هفته علائم یاس وماتم برپادارند .

﴿ از پترسبورك ۱۵ ربیع‌الاخر ﴾ ازجانب کروه نهلیست بیانامهٔ نشر کرده‌شده ودرآن نوشته بوده‌اند که درتاریخ هفتم ماه ایلول سال ۱۸۷۹ (کومیت اجراءات) نهلیست ایمپراتور متوفی‌را بجزای قتل محکوم نموده بودند . هرگاه ایمپراتور تازه ازمسلك پدرخود عدول نکند اونیز بجزای قتل محکوم خواهد گردید .

﴿ از اتن ۱۵ ربیع‌الاخر ﴾ لایحهٔ قانون تعدیلات عساکری که درسال ۱۸۸۱ میلادی نوشته‌شده‌بود ازجانب مجلس مبعوثان پذیرفته شده است . وزیرجنك یونان بموجب قانونامهٔ مذکور تکلیف نموده‌بود که مقدارعساکرمذکوره تاهشتاد ودوهزار نفر باید برتری داده شود . درصورتیکه مقدار عساکری معفو از خدمت که اکنون دوباره بزیرسلاح آورده شده است بمقدار فوق افزوده شود قوت عسکری یونان بیش ازیکصدهزار نفر خواهدبود .

﴿ ازلندن ۱۶ ربیع‌الاخر ﴾ در اجتماع آخری مجلس مبعوثان قرارداده شده‌است که بجهة مخارج افغانستان عجالة معادل پانصدهزار لیرای انکلیسی بحکومت هندوستان داده‌شود .

﴿ از پترسبورك ایضاً ﴾ مامورین ضابطه درکوچهٔ (نوسکی) درزیردکان یکنفر قیماق‌فروش از راهی که بکوچهٔ باغچه‌ها منتهی میشد ببودن نقبی پی برده پس از تحقیق معلوم شده است که جمعیت نهیلیست نقب مذکوررا برای این آماده نموده بوده‌اند که هرگاه ایمپراتور متوفی درمراجعت از رسم عرض لشکری که درتعلیمخانهٔ (میشل) بعمل آورده میشد ازکوچهٔ مذکور بگذرد آنوقت نقب مذکور را آتش زده ایمپراتور را باکوچهٔ مذکور زیروزبر نمایند . رسم تشییع جنازهٔ ایمپراتور متوفی روز بیست وهفتم ماه مارس فرنکی بعمل آورده‌خواهدشد .

﴿ از پترسبورك ایضا ﴾ روزنامهٔ (ژورنال دوسن پترسبورك) درمقالهٔ مخصوصی که دربارهٔ ایمپراتور تازه نوشته است میکوید . ایمپراتور مشارالیه بمناسبت حرمت ومحبتی که در بارهٔ پدر خود ایمپراتور متوفی داشت اظهارنموده‌است که .

درنگاهداری صلح عمومی وترقی مملکت برقرار بوده باهمهٔ دولتها بتزیید مناسبات دوستانه اقدام خواهدنمود .

درحین جستجوی خانهٔ (روساکوف) که نخستین خپاره را حوالهٔ ایمپراتور نموده بود شخصی (میکایلوف) نام کرفتار ودر نزد او نوشتجات ظاهر کردیده از آن نوشتجات استنباط شده‌است که درفقرهٔ سوءقصد بایمپراتور مدخلیت داشته است .

﴿ ازلندن ایضا ﴾ امروز درخانهٔ امین‌شهر (بیکار بیکی) لندن صندوقچهٔ که پراز باروت بود پیداشده که فتیل کذاشته مستعد اشتعال بوده‌است لهذا پیش ازآنکه باروت آتش کرفته خانه‌را زیر وزبر کندپی برده‌باطل کرده‌شده‌است .

درمیان صاحب‌منصبان انکلیس وشورشیان (بوئر) مذاکرات صلح آمیز پیش میرود .

﴿ ازلندن ۱۷ ربیع‌الاخر ﴾ بموجب تلکرافنامهٔ که امروز صبحی از قندهار رسیده است امیرعبدالرحمن خان حکمران افغانستان بموجب تلکراف از صاحب منصبان انکلیس که در قندهار هستند خواهش نموده است که درفقرهٔ خالی نمودن قندهار که‌مقرر بوددرپانزدهم ماه اوریل فرنکی خالی کرده شودمدتی تاخیر نمایند .

داخلیه

ازجانب جناب جلالتمآب معین‌الملک سفیرکبیر ایران شب جمعه کذشته درسفارتخانه مهمانی بسیار خوبی داده‌شده‌است . درمجلس مهمانی مذکور بسیاری ازحضرات وکلای فخام ورجال کرام دولت‌علیهٔ‌عثمانی مدعو بوده‌اند .

سعادتمآب آصف‌پاشا که پیشتر بامامور یت مخصوص بولایت سلانیك ویانیه رفته‌بودخدمات مامورهٔ‌راکه‌درعهده‌داشته‌است انجام‌داده‌بدرسعادت برکشته‌است .

روزنامهٔ (فاردو بوسفور) که‌پیشتر ازجانب ادارهٔ مطبوعات تامدت سه ماه تعطیل شده بود مدت تعطیل خودرا بانجام رسانیده ازروزپنجشنبهٔ کذشته دو باره آغاز بطبع ونشر نموده است .

روز دوشنبهٔ کذشته (بغداسر) نامی ازملت ارامنه خودرا درخان(کاروانسرا) وزیر عمدا ازحلق درآویخته خفه نموده است .

بموجب ارادهٔ‌سنیهٔ اعلا حضرت پادشاهی سعادتمآب (آرتین) افندی مستشار وزارت جلیلهٔ‌خارجیه نیز بعنوان‌مرخصی مامور بمجلس مذاکرهٔ مسئلهٔ‌حدود یونان شده مشارالیه ازروز دوشنبهٔ کذشته‌آغاز بماموریت‌خود نموده‌است .

از جانب دولت‌علیهٔ ایران بعالیجاه مجدت همراه آقاعباسعلی صاحب‌تاجر کازرانی که‌ازمعتبرین تجارایران است درمقابل خدمات خود که‌درممالك هندوستان ومصر واسلامبول بدولت وملت نموده‌است یکقطعه نشان شیروخورشید ازدرجهٔ چهارم اعطا فرموده شده‌است .

﴿ اختر ﴾

آقای‌مومی‌الیه ازمعتبرین ومحترمین تجارایران وشخص خیرخواه وطن دوست وغیرتمند وطرف توجه عموم تجاراست . دیروز بسیاری‌ازمعتبرین حضرات تجار آذربایجان منزل آقای مومی‌الیه رفته تبریکش نموده‌اند .

روزنامهٔ (وقت) میکوید . پیشتر شایع شده‌بود که‌ازجانب بابعالی متصور است (جزیرهٔ کرید) باپارچهٔ ازاراضی (ترحاله) بدولت یونان واکذار شده مسئلهٔ حدود یونان‌را انجام داده آید . اینروزها باز شایعهٔ مذکور درمیان‌پولیتیك شناسان نوعی قوت‌حاصل نموده‌است ولی‌درانیاب بوجهی اطلاعات رسمی درمیان نیست .

نیز اخبارنامهٔ مذکور میکوید . ازجانب دولت علیهٔ عثمانی کار پردازیٔ (بندرابی‌شهر) بعزتمآب خالدبیك سپرده شده‌است .

روزنامهٔ (مسنجر) میکوید . ازجانب سفارت ایران کاغذی بوزارت خارجیه فرستاده شده ضمنا ازادارهٔ امانت شهر بجهة اینکه ازاصناف تنباکو فروش تبعهٔ‌ایران‌رسم(پاتنت) خواسته میشود شکایت کرده‌شده وزارت جلیلهٔ خارجیه نیز مراتب‌را بادارهٔ امانت شهر حواله نموده‌است .

(کولونل دیلسون) جنرال قونسل دولت انکلیس مقیم ارضروم و(مسیوتروتر) قونسل (فلبه) باواپور پوست (مارسیل) بدرسعادت واردشده اند .

روز یکشنبهٔ کذشته شش‌ساعت وپنجاه‌وشش دقیقه ازافتاب کذشته تحویل سال بود که آفتاب عالمتاب باول درجهٔ برج حمل انتقال یافته مبدء سال شمسی میباشد . چون روز مذکور درنزد اهالی ایران روزجشن بزرك وعید فیروزی است که دراینباب احادیث بسیار از طریق اهل بیت نبوت سلام‌اه‌علیهم نیز واردشده ومزایا وجهات امتیازآن‌روزرا معین داشته اند . چنانکه روزی که حضرت فخرکائنات علیه‌الصلوة والسلام درحجة‌الوداع در موضع غدیرخم تعیین وصی وخلیفه فرمودند همانا روز نوروز بوده‌است . وبنابراین شیعیان اهل‌بیت اطهار این‌عیدرا بسیار متبرك ومحترم میدارند روزمذکور که‌تحویل شد فردای‌آنروز را عموم تجار ومعتبرین ایرانیان درسفارتخانهٔ ایران حاضرشده درحالتیکه همه صاحب منصبان سفارت بالباسهای‌رسمی‌ونشانهای خودشان درحضور جناب‌جلالتمآب سفیرکبیر معین‌الملك بوده‌اند شرفیاب ازحضورمبارك‌نواب مستطاب امجد اشرف والاحسام‌السلطنه شده حضرت‌مستطاب والا باجناب سفیرکبیر واجزای سفارت داخل (سالون) وروی نوازش را متوجه حاضران ساخته بفرمایشات شایکان مبارکباد فرمودند . وبعد ازاجرای‌رسم‌مبارکبادوتشریف بردن حضرت مستطاب والا وهیئت سفارت ازمجلس‌همه حاضران جابجا نشسته صرف‌شیرینی وشربت کرده‌شد .

درمیان اهالی ایران این عید تاپنج روز در اسلامبول امتداد میابد وبترتیب معین همه تجار وکسبه دیدن ازهمدیکر میایند وتهنیت میکویند . ودرایران این عید خیلی تفصیل دارد که‌ده‌روز وپانزده‌روز درشهرهای بزرك آیین‌جشن ومعایده‌را بطورهای‌رنکین برپامیدارند . از جملهٔ رسمها

این است که در ایران برای بزرگان قصیده‌ها انشاد میشود همچنانکه ادیب اریب لبیب آقا میرزا حبیب قصیدهٔ درستایش جناب جلالتمآب معین‌الملك انشاد نموده‌اند والحق قصیدهٔ بسیار غرا ومطبوع وروانی است که ازقصائد بسیار ممتاز متقدمینش میتوان معدود داشت واینك ذیلا صورت آنرا می‌نگاریم ٠

﴿ قصیده ﴾

ای مدرك رفیع توحصن حصین ملك
وی مسلك بدیع توحبل متین ملك

عون خداست شامل احوال ملك‌شاه
تا پادشاه را چو تو باشد معین ملك

این خود مسلم است که‌باید بسی قرون
تابقرینهٔ چو توکردد قرین ملك

درعلم وفضل ودانش وفرهنك‌ومعرفت
عقد فرید دهری ودرثمین ملك

یك جنبش بنان توکاری توان نمود
کانرا نکرده هیچ نیال وتکین ملك

کارآکهان ملکت ایران بمرز روم
دیدند بسته حکمت غث وسمین ملك

بینادلی بسان توکردند انتخاب
تا بنکرد حقیقت شك ویقین ملك

جمعی زهر دیار چو تواندراین دیار
جمله کزین دولت وجمله کزین ملك

جستی بجمله برتری وعاقبت شدی
بالانشین جمله وبالا نشین ملك

از آزمان که پای نهادی بدین زمین
شد فرخ وفراخ زمان وزمین ملك

در این زمان‌خصوصادراین زمین‌کنون
دانی چه مایه خصم بود درکمین ملك

ایدرکه حل وعقد تو پادرمیانه‌است
باقبض وبسط بکشا چین جبین ملك

بارای ثاقب ازاثر کلك برشکاف
همچون شهاب سینهٔ دیولعین ملك

باهر وسیلتی که‌دهد دست ازعدوی
جوی انتقام ملت وبرخواه کین ملك

بادشمنان ملك بجان کوش زینهار
تا برزمین نمانی آه وانین ملك

ای آنکه دربیان وبنان تو تعبیه‌است
نصر عزیز ملت وفتح مبین ملك

سحری حلال ساخته ام وزپی صلت
یك آفرین بسم زتو سحر آفرین ملك

مقصود ازاین‌قصیده طمع‌نیست مرمرا
مقصود مدح تست بلفظ رزین ملك

براین قصیده خورده نیارد کرفت کس
ای‌خورده‌دان عالم‌ووی خورده بین ملك

نوروز فرخ آمد آورد خلق را
یمن ویسارها زیسار ویمین ملك

این قافیت کزیدم ویژه برای آنك
کویم خجسته بادا عید معین ملك

بادا دعای روز بهان درقفای تو
بهروز برتو روز بهین ومهین ملك

فرخنده وخجسته وشب روز توز حق
فیروز وفرخ از توشهور وسنین ملك

رفیق ما (روزنامهٔ وقت) درنسخهٔ روز دوشنبهٔ کذشته درشمارهٔ (۱۹۴۸) مینویسد ٠ ازقرار یکه روایت میشود جناب دولتمآب حاجی میرزا محسن‌خان‌سفیرایران بطهران عزیمت‌خواهد نمود وجناب حسام السلطنه سفارت اسلامبول‌را درعهده خواهندداشت ولی خود ازاین روایت استبعاد میجوید ومیکوید بجهةاینکه سن‌جناب حسام‌السلطنه بمرتبهٔ شیخوخت رسیده‌است عهده فرمودن ایشان امور سفارت‌را بعیدبنظر میآید٠ وفردای آنروز خوددو باره‌این مطلب‌را تکذیب میکند ٠

مانحست اینکه رفیق‌ما درضمن این مطلب درچند جانام نامیٔ حضرت مستطاب‌افخم والارا عاری ازعنوان احترامی ذکر نموده‌است اظهار تاسف وتاثر نموده سپس میکوییم رفیق‌ما چنانکه امثال اوتاکنون بسیار دیده‌شده این‌روایت‌را باقتضای وقت‌ازخودتراشیده‌است چه‌اوخود اقلا ایقدربی‌اطلاع نیست که‌نداندشان بلندحضرت مستطاب والا باسفارت ابد انسبت قبول نمیکند٠ ثانیا در هیچ وقت قاعده نبوده است که یکی ازشاهزادکان‌عظام‌درنزد دولتی بسفارت‌معین‌بشود ثالثا اینکه سن‌مبارك حضرت مستطاب والا دردرجهٔ شیخوخت نیست بل‌درمراتب کهولت است ولی‌راستی مقصود رفیق‌خودمانرا ازاینکونه روایت بافی نفهمیدیم مکر اینکه (خود اختراع روایت نموده‌خود استبعاد کرده خود تکذیب نماید) ٠ کهاینهاهمه‌خود خلاف مسلك روزنامه نکاری ومدنیت شعاری است ٠ حیف که‌رفقای روزنامه نکارما دراین پای تخت بجای اینکه روزنامه‌را وسیلهٔ تربیت مردم وترقی مملکت پندارندآنرا اجرای اغراض وجر منفعت غیر مشروع برای خود قرارداده اندوابدا درصدد اصلاح مسلك‌خودنیستندبطور یکه میتوان کفت

﴿ این‌قافله تابحشرلنك‌است ﴾

بموجب‌خبرتلکراف مخصوص اطلاع‌حاصل نمودیم که‌ازجانب دولت‌علیهٔ‌ایران‌جناب مستطاب افخم‌مشیرالدوله سپهسالار اعظم بمناسبت‌وفات ایمپراتورروس بجهة اجرای رسم تعزیت‌ایمپراتور متوفی عازم پترسبورك‌شده است ودررسم تشییع جنازهٔ ایمپراتور درپترسبورك حضور خواهند داشت ٠

جناب جلالتمآب آقای علاءالدوله نیز که‌از اعاظم وکلای دولت علیهٔ ایران‌است بطورمستقل بوالیکری آذربایجان معین کردیده بتاریخ بیست وچهارم ماه ربیع‌الاول کذشته ازطهران رو بتبریز حرکت نموده‌اند ٠

ازجانب اعلا حضرت پادشاه ایران بجناب معزی الیه منصب جلیل (امیر نظامی) توجیه ویکقبضه شمشیر مرصع نیز احسان فرموده شده‌است ٠

حضرت‌مستطاب‌اشرف‌امجدوالاظل‌السلطان که پیشتر بموجب‌ارادهٔ سنیهٔ‌اعلاحضرت پادشاه‌ایران بطهران احضارشده بودند دردهم ماه ربیع‌الاول وارد طهران کردیده ازحضور مبارك پادشاهی شرفیابی حاصل نموده مورد نوازشات ملوکانه کردیده‌اند ٠

عالیجاه میرزا عیسی‌بیك کحال که پیشتر موقتا بازمیررفته بود هفتهٔ کذشته مراجعت نموده وارد درسعادت ودرمنزل معین سابق خود که درجادهٔ دیوان‌متصل‌بقراوخانهٔ‌حسن‌پاشا است‌کافی‌السابق رجوع کنندکانرا معاینه‌ومعالجه‌می‌نماید ٠

خارجیه

تفصیل اسامی ومال متروکهٔ وفات کنندکان حجاج‌ایران‌است که‌بموجب‌راپورت‌کارپردازخانهٔ دولت علیهٔ ایران مقیم جده برای اطلاع وارثان آنها درذیل نکاشته‌میشود ٠

دینار	قران	تومان	مبلغ متروك مسلم علیه	اسامیٔ شهود	اسامی وفات کنندگان	محل وفات	تاریخ وفات
۷۰۰	۵	٤٦	حاجی ملا جعفر ولد حاجی ملا اسماعیل پدرزن مرحوم	حاجی یوسف ولد حاجی زمان حاجی رضا قلی ولد حاجی حسن	حاجی ملا محمد ولد ملا اسماعیل قزوینی ساکن جعفر آباد شاه روز	درجده	٤ ذی حجه ۹۷
۵۰۰	٤	۲۷	درکارپرداز خانه موجود است که برات کرفته ارسال شود	حاجی شیرعلی وحاجی محمد ابراهیم ولد حاجی حسن	حاجی میرزا باقر ولد حاجی حسن خراسانی ساکن دولت آباد	درراه سعدیه	۲۷ ذی قعده
مجیدیٔ طلا		ایمپریال	بمعرفت کار پرداز خانه برات				
	٤	١٤	خراسان بعهدهٔ عالیجاه حاجی ابو القاسم ملك التجار کرفته تسلیم حاجی محمد دربان باشی شده	حاجی غلام رضا ولد کربلایی حسین دربان استانهٔ امام ثامن	حاجی محمد حسن ولد کربلایی حسین دربان خراسانی	درمکهٔ مکرمه	۷ ذی حجه ۹۷
دینار	قران	تومان	تسلیم پسرش حاجی محمد علی شد	کربلایی عزیز ولد کربلایی عباس وحاجی معصوم ولد میرزا علی	حاجی رضا ولد آقا مطلب کرکانی	ایضا	۸ ذی حجه
۱۰۰	٦	۱۹					
۰۰۰	٦	۱۳	تسلیم برادرش حاجی علی مراد	حاجی احمد ولد آقا علی اصغر حاجی عباسعلی ولد امیرخان	حاجی چراغعلی ولد کربلایی یعقوب تربتی	درمشعرالحرام	۹ ذی حجه
۵۰	۹	٦	تسلیم پسرش حاجی ابوالقاسم شده	حاجی خداداد ولد حاجی محمد صادق حاجی حسن ولد حاجی جعفر	حاجی اسماعیل ولد کربلایی امین اصفهانی ساکن محلهٔ پایین	در مکه	۱۳ ذی حجه
				برادرش میرزا محمد حاضر بود مدعی شد چیزی ندارد	حاجی سید حاجی ولد حاجی سید اسماعیل خراسانی	ایضا	١٦ ذی حجه
۵۰۰	۲	۲۰	تسلیم پسرش حاجی حیدر شده	حاجی رضاعلی ولد ابراهیم خان قاقازانی	حاجی خانعلی ولد حاجی علی قزوینی ازقریهٔ ارداق	ایضا	١٦ ذی حجه
۱۰۰	۱	۱۸	تسلیم برادرش حاجی اقا کردید	حاجی آقا بابا حاجی میرحید	حاجی آقا محمد ولد علی پناه شیرازی ساکن ده بی بی	ایضا	ایضا
			پسرش حاجی محمد علی حاضر بود مدعی شد چیزی ندارد	حاجی میرزا حسن ولد مصطفی حاجی محمد حسین ولد حاجی غلام رضا	حاجی محمد حسین ولد حاجی احمد یزدی ساکن محله یوردان	ایضا	۱۸ ذی حجه
			برادرش حاجی محمد علی حاضر بود مدعی شد چیزی ندارد	حاجی علی بابا ولد حاجی محمد علی حاجی اسداه ولد ولد حاجی محمد حسن	حاجی شکراه ولد حاجی علی رضا شیرازی	ایضا	ایضا
			جناب حاجی میرزا مهدی طباطبایی شهادت نمود که عکام وبی چیز است		حاجی تقی ولد شفیع رو جردی	ایضا	۱۹ ذی حجه
۵۰۰	۷	٤۲	تسلیم حاجی شیخ عبدالحسین روضه خوان شده سند کرفته شد که در اصفهان خدمت جناب شریعتمدار حجة الاسلام بدهد	حاجی سید علی ولد اقا میرا کبر	حاجی سید ابراهیم اصفهانی الشهیر به بید آبادی	ایضا	ایضا
				حاجی سید رحمن ولد سید باقر حاجی ابراهیم ولد حاجی میرزا کاظم مدعی شدند چیزی ندارد	حاجی جعفر ولد اقا احمد مازندرانی	درمکه	۱۹
			پسرش حاجی علی مراد مدعی شد چیزی ندار	حاجی سید علی ولد اقا میرا کبر	حاجی غلام رضا ولد کربلایی قاسم طونی	درمکه	۲۲
				حاجی سید عبداه ولد اقا سید مرتضی			
تجیدی طلا		تازه تومانی کهنه					
ـ٤	۵	١٦	تسلیم پسر عمش حاجی جواد ولد ملا محمدتقی ساکن محله سنکلج شد	حاجی اسداه ولد آقا محمد طهرانی آهنکر ساکن زاویهٔ زرند		درمکه	۲۳
				اقا عبدالرحیم ولد آقا محمد علی حاجی سید مهدی محله دار کاشانی شهود مدعی شدند چیزی ندارد	حاجی علی اکبر ولد حاجی حسینعلی برزکی ازمحال کاشان	درمکه	۲٤
				حاجی علی ولد حاجی کاظم حاجی شریف ولد حاجی خسنعلی شهود مدعی شدند چیزی ندارد	حاجی محمد علی ولد حقو یردی زنجانی	درمکه	۲٤
				برادرش حاجی محمد و مادرش همراه بودند مدعی شدند چیزی ندارد	حاجی محمد حسن ولد حاجی غلام رضا اصفهانی	درمکه	۲٤
دینار	قروش	ایمپریال	تسلیم حاجی جواد ولد حاجی محمدتقی طهرانی کردید		حاجی محمد رحیم ولد مشهدی کریم طهرانی	درمکه	۲۹
٤۰۰	۹						

درمکهٔ مکرمه بکار پردازخانهٔ مبارکه اطلاع حاصل شد که یك نفر درواپور حین آمدن بجده ودونفر درجده مرحوم‌شده همهٔ متروکات این سه‌نفررا حاجی حسین‌نام ولد آقا رجبعلی دیجیقی شاهر ودی‌درتصرف نموده بکسی بروز ندادمومی الیه بکار پردازخانه احضار شده پس ازسؤال وجواب معلوم شد که‌درواپور حاجی جعفرولد علی‌محمد دیجیقی ودرجده حاجی اکبر ولد حاجی قاسم وحاجی اسماعیل ولد آقاعلی دیجیقی مرحوم شده‌اند ومبلغی ازایشان درمیان ۳ عدد همیان و یك‌عدد کیسهٔ کبود کوچك متروك کشته‌ولی حاجی‌حسین‌مذکورنمیداندکه کدام یك‌ازهمیانهامال کدام‌یك‌ازمرحومین‌است لهذا همیانها وکیسه‌را حاضر نمودند درجوف همیانها وکیسه بقرار ذیل تنخواه بیرون آمد ٠

روپیه	ایمپریال	قران
۷	۱۳	۹۱۱

جمع هرسه‌قلم بحساب تومان یکصد و بیست ودوتومان و پانصد دینار میشود ٠ ازجمله بموجب نظام یازده تومان و پانصد دینار کارپردازخانه رسوم‌وضع نموده وشخصی‌نیزمدعی گردیدکه‌درواپورمباشر غسل حاجی جعفرمرحوم شده‌ام اجرت میخواهم اجرت اونیز یك تومان مصالحه شده‌پس ازآن یکصد ونه‌تومان و پانصد دینار تتمهٔ‌پول سه نفررا کارپردازخانه بملاحظهٔ اینکه بشخص متصرف اطمینان نداشت درصرهٔ ممهور ومختوم ومضبوط داشت که‌هنگام‌مراجعت حجاج ازمدینهٔ منوره برات معتبری بطهران گرفته نزدآدم امین ارسال دارد که‌بمعرفت علماء عظام بنوعی که‌تکلیف شرع انور میباشد بوراث مرحومین رسانیده‌شود ٠

جناب مدیر محترم اخترزا زجت افزاکشته ومعروض میدارد ٠

کترین‌را سال گذشته صورت حجی قسمت افتاد ٠ درآنجاها بعض مطالب که شرح واشتهارش دارای منافع عموم حجاج وهمزبانان بود مشهود گردیده وبامید درج صحایف مبارکهٔ اختر متجاسر بعرض آنها گردیدم ولی یا عریضه نرسید و یاذکر آنها برخلاف سلیقهٔ جناب عالی بود بزیور طبع مزین نگردید ٠ اکنون بیغرضانه بشرح این مراتب سرورم‌را زحمت داده درجش‌را التماس مینمایم ٠

اولاپوشیده نیست هرساله ازطرف سفارت سنیهٔ کبری بحکم رعیت پروری وبرای حفظ حقوق‌مقدسه اهالی‌دولت ابدمدت‌ایران نظردقت بمأموریت حجاز معطوف کشته و بملاحظهٔ اوقات واقتضاء پولیتیك وسیاسی اشخاص قابل وکارگذاران ازحقوق دول‌وملل آگاه باآنسامان مغفرت طراز مأمور میفرمایند وهرکدام ازمعزی الیهم مقام وظیفهٔ‌خودرا مقدس شمرده دراجراء مافوق اوامر بهرجهت خودداری نکرده وکمال جهد درتحصیل رضای خاطرحجاج مرعی داشته‌اند بازسالی نشده که عموم زوار ازمامور خوشنود باشند ازخورده بینی شنیدم (سبب شکایت حجاج‌را ندانستم که‌خود دیدم از (ملا) و (ظریف) از (کریم) (وخسیس) (میرزا) و (خان) (قونسل) و (جنرال) مأمور حجاز شدند وهیچکدام نتوانستند پسند عموم کردند) بلی این فقره (یك‌سبب‌خواهد ولی سوراخ کن) (تاکند اسباب‌ر ازبیخ و بن) هرگاه‌ماهارازبان آزادبود میتوانستیم کوچکتر سبب‌را بیان نمودن چه‌بغیر ازمحتشمین بزرگان دولت وموثقین علمای شریعت که بهر جهة سمت استثناء دارند واحترام وپذیرائی وخدمتگذاری‌ایشان‌بهرجاوظیفهٔ‌مأمورین وسایرین است هر فرقهٔ که‌وارد جده میشوند تاهنگام نزول ازآنجا درمنزل وراه بهرخصوص فردا فردا تمنای اعمال تشریفات‌شان وآرزوهای مالایطاق از مأمورین دارند که‌ا کرذرهٔ ازخواهشهای نفسانی آنها معمول نکرد دکینهٔ بدل کرفته ورفته رفته مقدمات تشکی‌را ترتیب میدهند وشاید قبیله ومریدان‌را باخود همزبان نموده واظهار دلتنکی مینمایند وهرگز ملتفت نمیشوند که‌مرام از بستن احرام تنها برهنه کردن‌تن ازکسوة ظاهری نیست بلکه عاری ومجرد ساختن قلب است ازنخوت باطنی ٠ درحالتیکه‌تلبیه وتکبیر میکویند بزرکی طلبیدن منافی باشد وعظمت مداری ازفرایض مناسك معدودنه دیکر چه وچه وچه ٠ درآنصورت که‌مأمور تمامی حواس واوقاترا صرف پذیرائی وتشریفات اغلب حجاج که‌جلکی درایام قلیلهٔ متوالیا وارد میکردند بکند البته برای اووقت رسیده‌کی بدعاوی وفکر نکاهداری حقوق‌سایرین نمیماند کویا بهتراست درورود باآن اماکن معظمه قیودات‌را ازخود ریخته وخویش‌را زایر بیت اه الحرام شمرده و مأمور را از تحمل بعض تکلفات معافدارند نعم حفظ مراتب ومقام هریك ازعلما و بزرکان کذشته ازآنکه لوازمات مأموریت باشد نیزازوظائف انسانیت است ولی همان طرز برآنهاست که‌درنظرسایر طوایف ومأمورین دول‌خارجه وحکومت محلیه برحیثیت مأمور خود برنخورند شرف ومقام وظیفهٔ اورا پاکیزه شمرده ومداخله درافعال شخصی ورسمیهٔ اونمایند تااکر درمأموریتوی حرکتی خارج ازاوامر وقوانین ظاهر شود مسئولیت‌آن‌درنزد دولت‌وملت تماما باید اوکردد هرکاه واقعا ازمأمورتعدی ویابرخلاف قاعده رفتاری ظهورنماید کردهای اورا بمحلش عرض بکنند بلکه درکمال حریت بروزنامها بنویسند تا از محلش دقت شده ومأمور را بمقام محاکمه بیاورند ودرصورت اثبات تعدیات مجازاتش‌نمایند وبردیکران عبرت بماند نه‌آنکه محض هویوهای وتقلید یکدیکر باشد که فلان مأمور تعدی نمود دیکران هم‌نفهمیده بکویند بلی‌بلی چنین‌است چه اکر یکی بپرسد آخرجبر او چه‌شد وچه کارکرد ازجواب‌درست عاجزبمانند وبحرفهای‌لاعنشعور مغلطه نمایند ٠

ثانیا فقرهٔ مکفی‌شدن حجاج است که چندنفر از بیکاران هرشهری چهار لغت عربی یادکرفته دراوان حرکت حجاج خود را بصورت اعراب ملبس ساخته وشتران چند بطرزهای غریب زینت داده درکوچه و بازار مردم را دعوت بحج‌میکنندوهیئت‌را بنوعی‌درانظارجلوه میدهند که‌هرکس‌مایل بمسافرت وزیارت میشود درآنحال بعضی از بهشت طلبان را که علاوه از عدم استطاعت بضاعت معاش هم ندارند بتعریفهای کوناکون ازهوا وصفای‌راهها کول زاده بجهل وپنجاه تومان مکفی میکنند که از بغداد وبصره وابی‌شهر ازدریا وخشکی بیاورند ومراجعت‌بدهند تمامی کرایه ومصارف مکهٔ‌معظمه ومدینهٔ منوره باجله‌داران باشد آن‌بیچاره‌ها هم‌این‌همه راه واین خرج قلیل را ملاحظه میکنند بشوق زیارت چشم ازعیال ووطن پوشیده جمیع‌مایملك خودرا داده وخویشتن را اسیرآنان مینمایند درهمان اولین منزل آغاز مرافعه ونزاع است خصوصا اکر بسال کرانهٔ حجاز تصادف نمایند چه پنجاه تومان کجا کفاف این‌راه‌را خواهدنمود جله‌دار

ازخودسرمایه‌نداردپول‌حاجی‌هم منحصر بهمان بنحاه تومان‌ومحاکمه هم نزد مأمور درآن‌صورت تکلیف بیچاره مأمور چه چیز است وچه گونه تحصیل رضای‌خاطرحجاج در بیابان مانده‌را بکند هرکاه از روی‌حقیقت‌ملاحظه شود هراذیت‌که برحجاج وارد میآید اول ازکردهٔ خودشان ثانی از طمع جله داران‌است مثلاجله‌داردنفر را مکنی نموده همراه آنها بحرم محترم مشرف میشود احسان خدا مین باجله‌داراست مادامکه یکشاهی بآنها نمیدهد البته برده‌نفر آزار میرسد والا دونفر در حالت احرام که حسب ونسب هردو برخدام مجهول‌استواردبحرم‌میشوندچرابايد ازجلویکی مردمرا دور بکنند ودیکری را ضرب وشتم نمایند هرکاه بزرکان‌هربلد مردمرا ازاین‌فقرات آکاه سازند ونکذارند که خود شانرا اسیر جله‌داران نمایندکاهی مشاکلی که‌مورث‌شکایت زوارشود واقع‌نخواهدشد بلی‌بعضی‌برای‌سهولت درمسافرت میتوانند یکنفر عربی دان را بقیمت معین اجیر بکنند وهمراه خود بیاورند تا درهرجا عزیز ومکرم باشند ٠

ثالثا فقرهٔ اخوه‌است که ازسنوات عدیده درمیان راه مکه ومدینه منوره اعراب از حجاج ایرانی میکیرند چندسال قبل باهتمام سفارت سنیهٔ کبری ازبابعالی امری‌برای‌برداشتن‌اخوه‌صادرشد ولی بواسطهٔ تسلطی‌که عربان درآن بیابان دارند امارت وولایات ازعهدهٔ اجرای این‌امر برنیامده بهمان قسم جاری است مقدار اخوه که ازایرانی بغیرازاهالیٔ بستك وبصره‌وابی‌شهر وعبیدوجوار وبیاده‌کان‌احرار میکیرند سی وهفت اخوه است هراخوه نیم ریال (دوهزار وپانصد دینار) که بهرنفرهیجده‌ریال ونیم باشد وچون اهالیٔ‌ایرانرا حمل مخصوصی نیست واغلب نمیتوانند باحمل شامی ومصری بمدینهٔ منوره مشرف بشوند مقومها (جلودار) هستندکه از بزرکان طوایف همان اعراب اخوه‌کیر میباشند حجاج ایرانی را دسته بدسته برمیدارند بعد ازقطع کرایهٔ شتر تعیین اخوه‌ده وغیره را مینمایند مثلا ده‌نفر هستندکه در واقع همه باید اخوه بدهند باهزار قیل وقال دو سه نفر آنهارا بنام خدمتکار ویا اهالیٔ بستك وابی‌شهر قلمداده وباصطلاح عربی مینویسند بعد ازاینها کارپرداز ازمقومین مزبوره بملاحظهٔ‌مقدار حجاج رهینه ازخویشان آنها کرفته در امارت ویا ولایت‌حجاز محبوس میسازدکه باید زواررا سالما بآخر منزل رسانیده ومرهونین را بکیرند بعد سندی نوشته‌میشود انفارشتر واخوه ده ونده وقرارداد کرایه واسماء مرهونین دراومذکور شده مقومهاومطوفهاومخرجهاامضاومهور مینمایند وکارپرداز نیز تصدیق کرده بدست‌حجاج‌میدهد دربین راه طوایف اخوه‌کیر منزل بمنزل بقافله میآیندوحق خودرا ازمقومها کرفته میروند دیکر احدی را باحجاج حرفی نیست هرکاه مقومین زرنکی‌کرده اخوه‌ده‌را کمترازمذکوری که‌درسند هست‌بقلم‌داده‌وخودتصرف‌نمایند امری‌است میان خودشان اما اکرحجاج بدون مقوم بروند آنوقت اهل اخوه بدون استثناء ازتمامی حق خودرا کرفته قافله‌را رها میکنند وبواسطهٔ آنکه‌سندات مزبوره برای انضباط کار درکار پردازخانه نوشته وتصدیق میشود بعضی ازبی‌خبران کارپردازرا دراینخصوص متهم ساخته وازاو شکایت میکنند وحال آنکه ابدا مدخلی دراین کار ندارد ومحض حفظ حقوق مقومین را بکرفتن رهنیه مقیدمیدارد حالا هرکاه ارکان دولت در باب همین اخوه توجه التفاتی بکنند یا بالمره درصدد رفع اوبرآیند ویا نبوعی قرار بدهند که هرساله وجه معینی ازحجاج بقسم معلومی دریافت وبا آدم‌مخصوصی حق هرکدام ازاهل اخوه‌را برساند که دیکر ازطرف مقومها تعدی نشود هم‌حجاج‌آسوده وهم مأمورین ازاتهام دور باشند چنانچه حمل شامی ومصری وجه معینی هرساله میفرستندکه واقعا همان بجای‌اخوه‌است مثل همان‌ترتیبی‌بدهند مختصرمرام‌جلب‌نظردقت بزرکان وارکان دولت ابدمدت‌دراین‌امراست ٠ امضا

زبان‌آزادی

پیشتر در یکی ازنسخهای اختر ورودهیئت سفارت ژاپون رانوشته بودیم که ازایران برکشته باسلامبول واردشده‌اندوازاینجابجانب‌مملکت‌خود شان‌عزیمت‌خواهندنمود اکنون‌ازجایی‌سوادلایحهٔ که هیئت‌مذکور درباب اصلاح وترقی ممالك آسیا نوشته اند باداره رسیده اینك ترجمهٔ آنرا ذیلا می نکاریم ٠

﴿ ترجمه ﴾

آسیا یعنی‌چه ٠ آسیا اسم یکی ازاقالیم خمسهٔ کرهٔ‌زمین است ٠

اروپ یعنی چه ٠ اروپ اسم یکی ازاقالیم کرهٔ زمین ٠ واین‌دواقلیم بایکدیکر همجوارند ازجهت تجارت و پولیتیك بایکدیکرمراودهٔ کلی دارند ٠ پس چکونه‌است که‌تنها اروپ آنقدر ترقی کرده بطور یکه برسایر اقالیم روی زمین تفوق کلی پیدا نموده است‌که افتخار واقتدارآنرا همه‌کس درروی زمین مقر ومعترف‌است ٠ حال آنکه اقلیم آسیا یکوقتی منتهای ترقی ورونق‌را داشت استیلا وعظمت آن بحدی رسیده بودکه موجب دهشت وواهمهٔ مابقیٔ ربع مسکون شده‌بود ٠ اکنون اسمی ازآن‌عظمت درهیچ جا باقی نمانده بطور یکه میتوان کفت بکلی ازمیان رفته‌است ٠ جهة این‌نوع اختلاف وانحطاط چیست و بچه‌سبب باین‌پایه تنزل نموده است ٠ سبب عمدهٔ این اختلاف وانحطاط کلی بقدر کفایت واضح‌است واین‌بواسطهٔ این‌است که‌یکی یعنی اروپ مشغول کار وتحصیل وترقی بوده ودیکری درنهایت بطالت وغفلت میکذراند ٠

آیاباید آسیا پیوسته بهمین وضع بماند ــ خیر نبایدراضی‌شد که‌آسیا بوضع حاضر خود باقی بماند و باید ترقی حاصل کرده اهالی آن ازغفلت هشیاری یابد ٠ آیاآسیا اسباب لازم وکافی‌دارد که‌بدانوسیله ترقی نماید ــ آری دارد ازجهت ثروت ومکنت برسایراقالیم برتری داشته‌درهرحال برای ترقی وآبادی اسباب‌لازم‌رادارد ٠

آیا ــ بچه اسباب امید ترقی ازآسیا توان داشت ــ آسیا اولا ازحیثیت خاك خیلی وسیعتر است بطوریکه میتوان کفت سه مقابل اروپ اراضی دارد و بدین نسبت جمعیتش نیز ازاروپ بیشتر است وازهرجانب دارای معادن‌خوب و بامنفعت است که‌بکار کردن تمام نخواهد شد واکنون در زیرخاك پنهان است بدون اینکه تاکنون درآنهابدرجهٔ‌لازم‌کار کرده‌باشند ــ درحالتیکه صنعتکر قابل نباشدتنها کار کردن درمعادن اسباب منتهای ترقی خواهدشد ــ ودراینصورت هرکار یکه میشود اسباب ترقی خواهدکردید ــ آیااهل‌آسیا ازجهت شعور ازاهل اروپ کمتر هستند ــ خیر زیرا یکوقتی اهل آسیا بردیکران ازدوجهت برتری داشتند وتمدن آسیا برتمدن مابقی دنیا سبقت داشته‌است ولی بواسطهٔ غفلت وعدم علم دروضع تعلیمات عامهٔ اهل‌آسیا درترقی وتمدن تازه عقب مانده‌اند ٠ وضع‌اشعار ونثر وادبیات آنها که‌خیلی مشکل است جهت باز ماندن آنها ازترقی وتمدن کردیده است ٠

اگرچه این تحقیقات مشکل آنها و وضع پیروی کردن ادبیات ایشان وقتی تمالک یونان وروم نیز امتداد یافت • ولی بزودی علوم عملی که عبارت ازترقی صنایع باشد بجای آنها متداول گردیده ونتیجه این شد که تمدن حالیهٔ اروپ ازآن برخواست واین وضع ترقی وتکمیل آنها درصنایع واختراعات به‌منتها درجهٔ خود رسیده است بحدی که اکنون درخیال آنها افتاده‌است که تحصیل علومی‌را بنمایند که هیئتی درظاهر آنها ملاحظه نمیشود •

ومطالب عالیه که عبات ازحکمتی وغیره باشد خیال آنهارا مصروف نموده‌است هرگاه درآسیا وضع جدید ومستحسن علوم عملی که عبارت ازصنایع باشد متداول گردد واین وضع جدید بعلاوهٔ قواعد حالیهٔ ادبیات موجب فوائد کلی خواهدشد و یقینا بجهة رفاه وخوشوقتی تمام آسیا نتیجهٔ بسیارخوب حاصل خواهد نمود • متداول نمودن صنایع وترقیات حالیهٔ اروپ بسهولت ودرزمان قلیلی امکان دارد زیرا که همینقدر باید تجربیات دیگران‌را که بسختی ومخارج زیاد تحصیل نموده اند کار نمود وهرگاه در اینباب اقدامات کافیه بعمل آید درتفوق خود درباب تمدن جدید دوباره امتیاز خواهد یافت •

پس‌چه لازم‌است ـ حرکت وغیرت که این دوچیز عمده درآسیانیست • آیا حرکت وغیرت چیست ـ حرکت وغیرت دونعمتی است بزرك بجهة انسان که انجام همه قسم مقاصد وخیالات بسته بآن هردواست • خوشوقتی و رفاه وترقیٔ انسان وآسایش اهالی هرمملکت تنها بواسطهٔ حرکت وغیرت حاصل میگردد • مثلا اهالی اروپ که فقیر و بی‌بضاعت بودند باجزئی مکنت ومایهٔ که داشتند ازهرجهت بطوری ترقی نمودند که موجب تعجب همهٔ اهل دنیا گردیده اند • ازعدم مکنت ومایهٔ ایشان همینقدر کافی‌است چنانکه ناچار بودند که یك‌سکه پول واحدرا بدو یاسه چیز و بلکه بیشتر بعمل می‌آوردند اکنون بجای تنخواه نقدینه کاغذهای پولی وتمسکات متداول نمودند وجمیع این ترقیات اروپ جدیدرا میتوان گفت که محض نتیجهٔ غیرت وحرکت آنها است حال آنکه اهالی آسیا که بامکنت بودند وهرگونه اسباب داشتند که بتوانند ازهرجهت بدون احتیاج بخارجه حتی بلاکارکردن معادن بامنفعت خودشان که هنوز درزیر خاك نهان‌است استقلال خودرا نگاه داشته باشند و بقوت قلب میتوانیم گفت که تنها بواسطهٔ بودن این اسباب هرنوع امتیازات را داشتند که بردیگران تفوق حاصل نمایند باوجود این بواسطهٔ غفلت وعدم حرکت خودشان بدین‌پایه عقب‌وباطل مانده اند• تکلیف حالیهٔ اهالی آسیا این‌است که جهد واهتمام نمایند خساراتی‌را که بواسطهٔ غفلت پدران واسلاف درخصوص ترقی وتمدن بانها وارد شده است تلافی نموده درتحصیل ترقی وتمدن خود داری نکنند بل اقدامات کامل بکار برند که موجب ترقی وتمدن اخلاف خودباشند چه بواسطهٔ حرکت وغیرت شخص میتواند رفع جمیع اشکالات وسختیهای کارهای معاشیٔ خودرا بنماید • پس بجهة آبادی وترقی احوال آسیا حرکت نمودن‌را تکلیف چیست • اول تکلیفی که بجهت حرکت ملاحظه میشود این‌است که جمیع دول آسیا بایکدیگر اتحاد پیدا کرده وبا آنها یکه لازم است معاهدات مصالحه ومودت برقرار بنمایند • آیا ازاتحاد دول آسیا چه نتیجه حاصل خواهدشد فوائد اتحاد دول آسیایی متعدد وزیاد است ولی قاعدهٔ عمده وترقی وضع پولیتیکی آسیا روابط مودت آمیز محرمانه واتفاق دول آسیا است که همین سبب خواهد شد که برضد پولیتیك ظلم آمیز اروپ نسبت بآسیا نتیجهٔ خوب حاصل گردد وجمیع دولتهای خارجه پاس اقتدار واعتبار چنین اتحاد را داشته وخواهند داشت وباین واسطه ومحض استقلال آسیا رفع مداخلهٔ دول خارجه درامورداخله آسیا در جمیع مواقع خواهدشد وشکی نیست دراینکه هرگاه این فقره معمول واین خیال بانجام برسد رشتهٔ حالیه بموقع خود میتواند آسیا را بکلی بحالت مختلفی ازآنکه اکنون هست نگاه دارد بعلاوه محض استدلال فوائد اتحاد دول آسیا چند مثل میتوان ذکر نمود مثلا رودخانهٔ بزرگی که جریان میبابد چیزی نیست جز اجتماع آبهای انهار جزئی که از کوهها جاری میگردد یاجنگلی است که منتهای تماشای را دارد وجنگل مزبور چیزی نیست جزآنکه مشتمل بر اجتماع اشجار کثیری است پس ازاشجار مزبوروقتی که یکی‌را ازجنگل بیرون‌آورند قیمتی نخواهد داشت وحال آنکه اگردرحالت اجتماع باشند اعتبار وتماشای مخصوص دارند•

مثل دیگرآنکه وقتی که چندین چوپ کوچك را باهم ببندند کارآسانی نیست که آنهارا بشکنند وحال آنکه اگر چوپ واحد را ازمیان بسته درآورند طفلی‌هم میتواندآنرا شکست •

اتحاد دول آسیانه تنها این فوزونتیجه‌را خواهد بخشید بلکه دربرابر اتحادواتفاق دول اروپ که اکنون درمیان‌است اعتبار وتاثیرکلی حاصل خواهدنمود عمده مطلب این‌است که اهالی آسیا فقیر وبی بضاعت نیستند وشراکت اشخاص متمول عموما خوب وبقاعده بوده خود خواهی ورفتارآنها ملاحظه نمیشود ومانند شراکت اشخاص فقیرنیست که بواسطهٔ حسادت وخود خواهی همیشه درصدد این‌باشند که باهمسایکان خود نزاعی بمیان آورند وعموما دیده میشود که بجهة طرف‌ضعیف نتیجهٔ نامساعد حاصل‌میکردد چنانکه می بینیم یکنفر در یکروز دوست است ودر روزدیگر دشمن این‌فقره را میتوان به‌احوال آسیا واروپ تشبیه نمود • مثلا اهالی‌اروپ مانند عدد کثیر شیر وحیوانات وسباع میمانند که همگی‌را دریك‌قفس کرده‌باشند وبمحض اینکه یکی‌ازآنها غفلت نمود فورا اورا ازهم خواهنددرید وبا این وضع که دارند مجبورشدند که یك‌قانون(انترناسیونال) که همه معاهدات وقرارنامه مصالحه‌است میان یکدیگر قرار بدهند • مع‌ذلك جمیع اینها بازیچهٔ دولتهای بزرك میباشد • ظاهرا همگی بایکدیگر دوست هستند ولی در حقیقت دشمن همدیگر هستند ومودتشان محض بملاحظهٔ صرفه ومنافع خودشان است • (باقی دارد)

روزنامهٔ (مفرح القلوب) منطبعهٔ (کراچی بندرسند) درضمن خبرهای (بلخ) میگوید • سردار محمدهاشم‌خان وارد بلخ‌شده‌است• سردار موسی‌جان‌فرزند محمدیعقوب‌خان‌نیز همراه‌او است• سردار ایوب‌خان حکمران هرات به‌سردارمشارالیه نوشته‌است که • باید تاآغاز بهار بلخ‌را درتصرف خودداشته باشی که‌آنوقت من‌نیز بهمراهی‌لشکریان خود بیاریٔ‌شما رسیده به‌نیت واثق وعزم راسخ بکابل یورش میبریم •

﴿ ظاهر ﴾